

نسرین اسدی

صحنه‌ای میان دو اقلیم



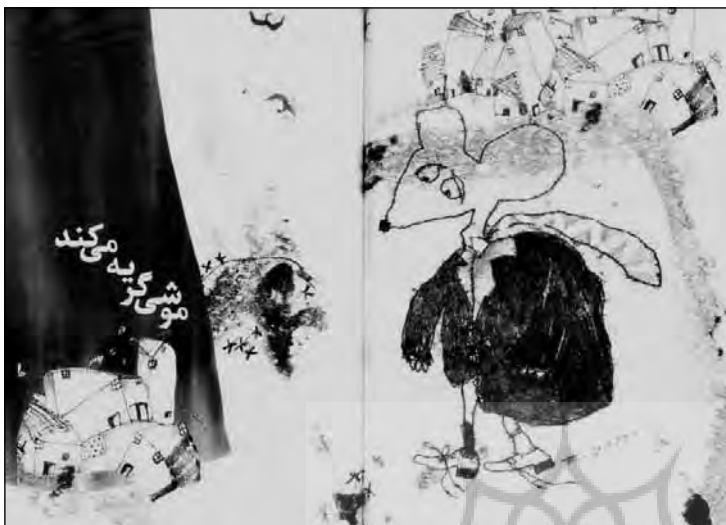
عنوان کتاب: آب تنی در برکه
 نویسنده: سیدحسین فدایی حسین
 تصویرگر: نریمان فرخی
 ناشر: کانون پرورش فکری
 کودکان و نوجوانان
 نوبت چاپ: اول ۱۳۸۵
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
 تعداد صفحات: ۲۹ صفحه
 بها: ۷۰۰ تومان

امروزه اهمیت و تأثیر قصه و نیاز به تأثر و نمایش، در رشد و تعالی شخصیت انسان‌ها و خصوصاً کودکان، کاملاً آشکار است. در گذشته نیز بزرگان و پیشینیان ما، برای آموزش و بیان مطالب با اهمیت، از شیوه قصه‌گویی و زبانی رمزگونه و نمادین استفاده می‌کردند. خداوند نیز در قرآن کریم، از همین شیوه برای رهنمود و هدایت انسان بهره گرفته است. کتاب «آب تنی در برکه» که به تازگی توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسیده، در قالبی نو و با تلفیق ساختار قصه و نمایش، نوشته شده است. در مقدمه این کتاب، هدف از تهیه و تولید مجموعه کتاب‌های «قصه - نمایش»، دستیابی به روش‌های تازه گسترش و توسعه فرهنگ نمایش‌نامه‌خوانی در میان کودکان و نوجوانان، با توجه به این که ارزش‌های شناخته شده این نوع هنری کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، بیان می‌شود و هم‌چنین، استفاده از ادبیات داستانی غنی کودک و نوجوان، برای انتخاب قصه‌ها، وقایع و موقعیت‌های نمایش و تنظیم آن در قالب نمایش‌نامه، برای اجرا در مراکز فرهنگی - هنری، مدارس، مهدهای کودک، محله‌ها و حتی در میان افراد خانواده، از دیگر اهداف این مجموعه است. در تقسیم‌بندی‌های انواع ادبی، قصه و نمایش‌نامه هم به عنوان یکی از قالب‌های ادبی، برای بیان اثر هنری به کار می‌روند، اما یکی از قالب‌ها و انواع ادبی جدید که مورد توجه قرار گرفته، قالب «قصه - نمایش» است که در واقع، ترکیبی از دو نوع ادبی قصه و نمایش‌نامه است. یکی دیگر از این گونه تجربه‌ها، در سال ۱۳۷۵، در کتاب «هفت داستان نمایشی»، نوشته اسماعیل همتی رخ داده که در آن‌ها از تلفیق

داستان و نمایش، شیوه داستان نمایشی پدید آمده است.

سیدحسین فدایی حسین، در کتاب «آب‌تنی در برکه»، شیوه «قصه - نمایش» را به کار برده و این کتاب، شامل چهار قصه - نمایش برای گروه سنی «ب» است.

«قصه - نمایش» اول، به نام «آب‌تنی در برکه»، ماجرای لک‌لک، غاز، مرغابی و لاک‌پشت است. غاز و مرغابی بعد از بازی و خستگی، برای شنا به برکه می‌روند، اما لک‌لک که خود را صاحب و مالک برکه می‌داند، به آن‌ها اجازه آب‌تنی در برکه را نمی‌دهد.



غاز و مرغابی، غمگین و دلخور از این برخورد لک‌لک، به بازی دونفره خود ادامه می‌دهند تا این که لاک‌پشت از راه می‌رسد و برای شنا داخل برکه می‌شود، اما لک‌لک او را هم از شنا در برکه منع می‌کند.

پس از مدتی غاز، مرغابی و لاک‌پشت با توپ بزرگی (لاک) که پشت لاک‌پشت قرار دارد، توپ‌بازی می‌کنند. لک‌لک هم که از شنا در برکه و تنهایی خسته شده است، از آن‌ها می‌خواهد در ازای گرفتن برکه، توپ را به او بدهند. مدتی می‌گذرد و لک‌لک باز هم از تنهایی خسته می‌شود و این بار از آن‌ها خواهش می‌کند همه با هم و با توپ در برکه بازی کنند.

در تقسیم‌بندی‌های انواع ادبی، قصه و نمایش‌نامه هم به عنوان یکی از قالب‌های ادبی، برای بیان اثر هنری به کار می‌روند، اما یکی از قالب‌ها و انواع ادبی جدید که مورد توجه قرار گرفته، قالب «قصه - نمایش» است که در واقع، ترکیبی از دو نوع ادبی قصه و نمایش‌نامه است

«خرگوشک و رودخانه»، ماجرای خرگوشی، خرگوشه و خرگوشک است که می‌خواهند به مدرسه بروند. در راه به رودخانه‌ای می‌رسند که پلی روی آن قرار دارد. اما خرگوشک که از بقیه کوچک‌تر است، از پل می‌ترسد. خرگوشی که از همه بزرگ‌تر است، هرچه تلاش می‌کند، نمی‌تواند او را راضی کند تا از پل بگذرد. خرگوشه هم که نه خیلی بزرگ و نه خیلی کوچک است، مدام راه‌های مختلفی برای عبور خرگوشک از پل پیشنهاد می‌دهد، اما هیچ کدام کارساز نیست تا این که فکری به ذهن آن‌ها می‌رسد. خرگوشی چوبی به دست خرگوشک می‌دهد و تظاهر می‌کند می‌خواهد در عبور از پل، به او کمک کند و از پشت سر با گرفتن چوب مراقب او باشد. خرگوشک بی‌اطلاع از این که خرگوشی پشت سر او نیست، از پل عبور می‌کند و از آن پس دیگر از پل نمی‌ترسد.

«قصه - نمایش» سوم، با نام «عروسک برفی»، در یک روز برفی در جنگل اتفاق می‌افتد. آهو و سنجاب در حال بازی با توپ برفی هستند. خرگوش و راسو هم تصمیم می‌گیرند مثل آن‌ها توپ برفی درست کنند.

دو توپ برفی بزرگ درست می‌شود. آهو پیشنهاد می‌دهد با روی هم قرار دادن آن دو، یک عروسک برفی درست کنند. خرگوش یک هویج برای بینی، سنجاب دو گردو برای چشم‌ها، راسو یک کلاه پشمی و آهو چند شاخه درخت برای دست و پای عروسک برفی می‌آورند، اما وقتی عروسک برفی مغرور به حرف می‌آید، حاضر نمی‌شود با هیچ کدام از آن‌ها بازی کند.

سپس هر کدام هویج، گردو و کلاه خود را برمی‌دارند و می‌روند. صدای خنده و بازی آن‌ها در حالی شنیده می‌شود که عروسک برفی مغرور، به دلیل گرمای زیاد و بالا آمدن خورشید، کم‌کم آب می‌شود.

«قصه - نمایش» چهارم، به نام «موشی گریه می‌کند»، درباره پسر هفت ساله‌ای است به نام موشی که به مدرسه می‌رود، اما توانایی انجام هیچ کاری را ندارد. او آن قدر منتظر می‌ماند و گریه می‌کند تا مادرش او را به دستشویی برد، موهایش را شانه کند، صورتش را بشوید و لباس‌هایش را بپوشاند.

پدر موشی از مادر موشی می‌خواهد تا اجازه دهد او خود این کارها را انجام دهد، اما مادر دلش به حال موشی می‌سوزد و نمی‌تواند گریه او را تحمل کند.

یک روز موشی به مهمانی خرگوشی دعوت می‌شود، اما مادر موشی برای خرید به بازار رفته و نیامده است. موشی مجبور می‌شود خودش لباس بپوشد و به مهمانی برود. در مهمانی، دوستان موشی با دیدن

**از نظر فرم و ظاهر،
در نمایش‌نامه
برای توصیف موقعیت
و فضا، از دستور صحنه
استفاده می‌شود.
در این کتاب به جای
دستور صحنه،
راوی یا دانای کل
یا همان قصه‌گو،
ماجرای را تعریف می‌کند
و گفت‌وگوی
شخصیت‌ها،
مکمل فضا سازی و
توصیف درونیات
شخصیت‌هاست**

صورت نشسته، موهای نامرتب و لباس نامناسب به او می‌خندند.
میان ساختار و عناصر تشکیل‌دهنده قصه و نمایش، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. پیوند میان دو نوع ادبی متفاوت، ترکیب جدیدی ایجاد می‌کند که علی‌رغم داشتن ویژگی‌های هر کدام، نمی‌توان با صراحت گفت که به تنهایی هم می‌تواند زیرمجموعه هریک از آن دو باشد. می‌توان گفت که حاصل این ترکیب، اثری مستقل و منحصر به فرد است.

«قصه» در لغت به معنای بیان واقعه و در اصطلاح، بیان مختصر سرگذشت‌های شوخ، مضحک و حیرت‌آور است. در قصه تأکید بیشتر بر حوادث خارق‌العاده است تا تحول شخصیت‌ها. هدف قصه، ثبت دقیق واقعیت‌ها نیست، بلکه بیشتر، از خیال و احساس نویسنده سرچشمه می‌گیرد و در واقع هدف قصه، تأثیرگذاری بر عاطفه و احساس است، نه استدلال و عقل. جمال میرصادقی، در کتاب «عناصر داستان»، درباره قصه می‌گوید: «عموماً بنیاد قصه بر حادثه گذاشته شده است و قهرمان‌ها و شخصیت‌های قصه، کم‌تر فردیت و خصوصیت درونی خود را نشان می‌دهند و روان‌شناسی فردی و تأکید بر خصایص و صفات آدمی، از ویژگی‌های داستان‌های امروزی است.»^۱

هم‌چنین، در کتاب «هنر داستان‌نویسی» آمده است: «به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین شخصیت‌ها و آدم‌هاست، قصه می‌گویند.»^۲
اما در نمایش‌نامه، تحول شخصیت چگونگی رخ دادن حوادث و کشمکش از ارکان اصلی و نمایش‌نامه از پیرنگ قوی برخوردار است.

یک قصه پس از نوشته شدن تمام می‌شود، اما نمایش‌نامه در اجرا کامل می‌شود. قصه با نقل و توصیف بیان می‌شود، اما نمایش با گفت‌وگو. قصه بازگو می‌شود، اما نمایش‌نامه نشان داده می‌شود. قصه با حادثه پیش می‌رود و نمایش‌نامه با کشمکش.

با بررسی اجمالی عناصر و ساختار تشکیل‌دهنده قصه و نمایش، به تفاوت‌های آن‌ها پی می‌بریم، اما ببینیم که این دو شیوه روایت، در کت اب حاضر چگونه با هم ترکیب شده و قالب ادبی جدیدی ایجاد کرده‌اند؟

شخصیت‌ها در آثار نمایشی، به سه گروه شخصیت، تیپ و تیپ - شخصیت تقسیم می‌شوند. با توجه به این تقسیم‌بندی و بررسی شخصیت‌ها در این چهار اثر، به این نتیجه می‌رسیم که آن‌ها «تیپ - شخصیت» هستند؛ تیپ‌های ثابت و الگوهایی که در طول ماجرا تحولاتی هم پیدا می‌کنند:

«لاک‌پشت: جناب لک‌لک! اگر می‌خواهید با ما توپ‌بازی کنید، بیایید توی برکه.
لک‌لک: بیایم توی برکه؟

لاک‌پشت: بله. توی برکه، هم می‌توانیم آب بازی کنیم، هم توپ‌بازی. آب بازی و توپ‌بازی! زود باشید بیایید. چون وقتی با هم بازی کنیم، خیلی مزه می‌دهد.

لاک‌پشت ناگهان شیرجه می‌رود توی آب
لک‌لک معلوم است که دارد به حرف‌های لاک‌پشت فکر می‌کند. حالا او توپ را می‌اندازد توی برکه و می‌پرد توی آب!

لک‌لک: نگاه کنید، من هم آمدم تا با هم توپ بازی و آب بازی کنیم. چون این طوری خیلی مزه می‌دهد!

صدای شلپ و شلپ آب بیشتر شده است. چون لک‌لک هم رفته است توی برکه تا با لاک‌پشت و غاز و مرغابی بازی کند.»^۳

در این «قصه - نمایش»‌ها، حادثه ماجرا را پیش می‌برد، ولی در عین حال عنصر نمایشی کشمکش



نیز تأثیر حوادث را بیشتر می‌کند. هم‌چنین، از پیرنگ و طرح نمایشی قوی برخوردارند و حوادث خارق‌العاده خاص قصه‌ها در آن‌ها رخ نمی‌دهد، بلکه حوادث منطقی و باورپذیرند. از نظر فرم و ظاهر، در نمایش‌نامه برای توصیف موقعیت و فضا، از دستور صحنه استفاده می‌شود. در این کتاب به جای دستور صحنه، راوی یا دانای کل یا همان قصه‌گو، ماجرا را تعریف می‌کند و گفت‌وگوی شخصیت‌ها، مکمل فضا سازی و توصیف درونیات شخصیت‌هاست: «صدای گریه می‌آید! گوش بدهید... انگار کسی دارد گریه می‌کند! یعنی او کیست؟

موشی: اُهو، اُهو، اُهو...

صدای موشی است! موشی دارد گریه می‌کند. نگاهش کنید. دست‌هایش را گذاشته روی صورتش. سرش را انداخته است پایین و دارد های‌های گریه می‌کند. یعنی چه شده که او گریه می‌کند؟ لابد کسی اذیتش کرده است...

موشی: نه خیر. اُهو، اُهو، اُهو...

پس شاید راه خانه‌شان را گم کرده است؟

موشی: نه خیر. اُهو، اُهو، اُهو...

نکند اذیت کرده و پدرش او را تنبیه کرده است؟...

موشی: نه خیر. اُهو، اُهو، اُهو...

پس چه شده که موشی گریه می‌کند؟...

موشی: من خیلی وقت است که از خواب بیدار شده‌ام، اما مادرم نمی‌آید تا مرا به دست‌شویی ببرد. اُهو، اُهو، اُهو...

ای وای! شنیدید چه گفت؟ موشی منتظر است تا مادرش بیاید و او را... خجالت هم نمی‌کشد!^۴ در انتهای هر «قصه - نمایش»، نویسنده برای اجرای آن، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد و بر این موضوع تأکید می‌کند که «نمایش با هر وسیله و امکانی قابل اجراست. فقط کافی است به نیروی تخیل خود متکی باشیم».^۵

منابع:

۱. همتی، اسماعیل: هفت داستان نمایشی، انتشارات مهیا، چاپ اول ۱۳۷۵
۲. دادفر، ابوالقاسم: فرهنگواره داستان و نمایش، نشر اطلاعات ۱۳۶۶.
۳. میرصادقی، جمال: عناصر داستان، نشر شفا، تهران ۱۳۶۴.
۴. میرصادقی، جمال - میمنت: هنر داستان‌نویسی (فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی)، نشر کتاب مهناز ۱۳۷۷.
۵. مخملباف، محسن: یادداشت‌هایی درباره قصه‌نویسی و نمایش‌نامه‌نویسی، انتشارات حوزه هنری ۱۳۶۰.
۶. حجویانی، مهدی: قصه چیست، حوزه هنری ۱۳۷۱.

پی‌نوشت:

۱. عناصر داستان، صفحه ۲۹ و ۳۰
۲. هنر داستان‌نویسی، صفحه ۲۱۳
۳. آب‌تنی در برکه، صفحه ۲۱ و ۲۲
۴. همان، صفحه ۷۷ و ۷۸
۵. همان، صفحه ۷۲



پیوند میان

دو نوع ادبی متفاوت،

ترکیب جدیدی

ایجاد می‌کند که

علی‌رغم داشتن

ویژگی‌های هر کدام،

نمی‌توان با صراحت

گفت که به تنهایی هم

می‌تواند زیرمجموعه

هر یک از آن دو باشد.

می‌توان گفت که

حاصل این ترکیب،

اثری مستقل و

منحصر به فرد است